

مصاحبه با جناب آقای دکتر خسرو نادران طحان دانشیار گروه مهندسی مکانیک در ارتباط با

پیشینه گروه مهندسی مکانیک دانشگاه شهید چمران اهواز

پرسش اول: با سلام و تشکر برای پاسخگویی به پرسش ها. اولین پرسش در ارتباط با سال تاسیس گروه مهندسی مکانیک می باشد و اینکه ساختمان اولیه آن در چه مکانی قرار داشت؟

بسم الله الرحمن الرحيم. من از ابتدای تاسیس دانشکده مهندسی که قبل از انقلاب بوده است، حضور نداشتم ولی در زمانی که سمت معاونت آموزشی دانشگاه را بر عهده داشتم، صورت جلسه ای را دیده بودم که در سال ۱۳۴۸ اشرف خواهر محمدرضا پهلوی به آقای رضایی رئیس وقت گروه ملی فولاد، دستور می دهد وامی به مبلغ حدود ۲۰ میلیون دلار برای تاسیس دانشکده تکنولوژی صنایع تهیه کند. ظاهراً بعدها این دانشکده تاسیس میشود و از تعدادی متخصص خارجی نیز برای کمک دعوت می شود. ریاست دانشکده را نیز شخصی به نام آقای دکتر بیژن میرعمادی برعهده داشتند. از وضعیت دانشکده تا قبل از انقلاب من تا این اندازه اطلاع دارم. زمانی که انقلاب شد متخصصان خارجی از دانشکده رفتند. تعداد معدودی هیات علمی ایرانی دانشکده نیز تا پیش از شروع جنگ تحمیلی و قبل از آنکه من از دزفول به اهواز بیایم در دانشکده حضور داشتند اما زمانی که من و چند تن از اساتید شاخه شمالی از دزفول به اهواز آمدیم آنها نیز عمدتاً دانشکده را ترک کرده بودند. تا پیش از آن، با کمک متخصصان خارجی تجهیزاتی برای آزمایشگاه فیزیک، مکانیک، الکتروسیسته، آزمایشگاه مقاومت مصالح، آزمایشگاه مواد و آزمایشگاه دینامیک و ارتعاشات خریداری شده بود و تعدادی ماشین ابزار نیز که برخی از آنها هنوز هم در کارگاه ها موجود هستند، را نیز تهیه نموده بودند. در آن زمان دانشکده مهندسی در ساختمانی قرار داشت که پیش از تاسیس دانشگاه در اختیار آموزش و پرورش و تحت عنوان انستیتو کشاورزی بود و نیروهای فوق دیپلم کشاورزی را آموزش می داد. این ساختمان قدیمی که بین دانشکده دامپزشکی و بیمارستان گلستان بود به دلیل قرار گرفتن در محوطه دانشگاه از سوی آموزش پرورش تخلیه و دانشکده مهندسی موقتاً آنجا دایر شده بود. اما زمین اصلی که برای احداث دانشکده مهندسی در نظر گرفته شده بود در محلی قرار گرفته بود که اکنون دانشکده ریاضی و دانشکده ادبیات در آن ساخته شده اند. بخاطر دارم که زمانی که در سال ۱۳۶۰ به اهواز آماده بودم تابلوی تاسیس این دانشکده با نام دانشکده تکنولوژی صنایع هنوز آنجا بود. در دی ماه ۱۳۵۸ زمانی که دکتر عطالله قبادیان مسئول راه اندازی شاخه شمالی دزفول شده بود، من و حدود ۱۰ نفر دیگر برای شاخه شمالی استخدام شدیم، هرچند اوایل سال ۵۹ مصادف با تعطیلی دانشگاه ها شد. در دانشکده مهندسی اهواز نیز در نیمسال دوم سال ۱۳۵۸ تعدادی از دانشجویان دانشکده علوم را برای ادامه تحصیل در دانشکده مهندسی می پذیرند که متأسفانه همان ترم آغازین، دانشگاه تعطیل شد و در شهریور سال ۱۳۵۹ نیز که جنگ شد و همان تعداد محدود هیات علمی نیز اکثراً از دانشکده رفتند و سال ۱۳۶۰ از من و چند نفر دیگر از دوستان خواسته شد که از دزفول به دانشکده مهندسی اهواز بیاییم. دانشکده مهندسی با سه گروه برق، مکانیک و عمران تاسیس شده بود. ولی مشکل اصلی تعداد کم هیات علمی بود. من، آقای دکتر حیدری نژاد، آقای دکتر سامانی، آقای دکتر رزاز و مرحوم مهندس مصطفوی از دزفول آمدیم و دو نفر از آقایان مهندس امجد و نیز مهندس قاضی از نیروهای قبلی دانشکده بودند که همگی در همان ساختمان قدیمی مستقر

شده بودیم. بعضی از تجهیزات مانند ماشین های ابزار و یا تجهیزات آزمایشگاه های مقاومت مصالح، مواد و فیزیک در زمان ما مجددا مورد استفاده قرار گرفتند. در سال ۱۳۶۲ که اولین کنکور بعد از تعطیلی دانشگاه ها برگزار شد، علیرغم اعلام ظرفیت از سوی ما، چون تعداد هیات علمی کمی داشتیم، دانشجوی جدیدی به دانشکده تعلق نگرفت. در واقع بعد از تعطیلی دانشگاه، بسیاری از اعضای هیات علمی از دانشکده ها رفتند و در نتیجه بسیاری از گروه ها بدون تعداد کافی هیات علمی ماندند به گونه ای که برای اداره گروه ها بعد از بازگشایی دانشگاه ها مشکلات زیادی وجود داشت. حتی به دلیل تعداد کم هیات علمی، نمایندگان وزارتخانه اصرار به بسته شدن دانشکده مهندسی داشتند. برای آنکه مقامات وزارت علوم را متقاعد کنیم که وجود دانشکده مهندسی ضروری است ناچار شدیم فهرستی از تمام تجهیزات موجود و امکانات دانشگاه را به کمیته هایی که در ستاد انقلاب فرهنگی مستقر بودند، ارائه دهیم. همچنین برای آنکه نیاز استان را به فارغ التحصیلان دانشکده نشان دهیم به بسیاری از مراکز و موسسات صنعتی منطقه مراجعه کردم و آماری را جمع آوری کردم که نشان می داد در شرایط موجود برای فعالیت معمولی این مراکز (اگر جنگ باعث تعطیلی آنها نمی شد) حدود ۴۰۰ نفر مهندس در رشته های برق، مکانیک و عمران مورد نیاز بود. این آمار برای اثبات حرفمان کمک شایانی کرد زیرا بعضی از افراد کمیته مورد اشاره می گفتند که دانشکده نفت آبادان وجود دارد بنابراین نیازی به فعالیت دانشکده مهندسی نیست. همراه با مرحوم دکتر شیبانی با انبوه مدارک مربوط به تجهیزات و آمار با اتوبوس به تهران رفتیم. ساعت ۵ صبح یک روز سرد زمستانی جلوی ستاد انقلاب فرهنگی در خیابان فلسطین (تقاطع جمهوری اسلامی) رسیدیم و تا ساعت ۸،۳۰ صبح که درب ساختمان را باز کردند در سرما لرزیدیم و جایی برای گرم کردن خودمان پیدا نمی کردیم. نهایتاً برای بازگشایی دانشگاه ها که تقریباً سه سال طول کشید، وزارت علوم مدیریتی به نام مدیریت جهاد دانشگاهی را متشکل از تعدادی عضو هیات علمی و نیز دانشجویان تاسیس کرد و به من هم پیشنهاد دادند که در دانشگاه مسئولیتی بپذیرم و معاونت آموزشی دانشگاه را به من سپردند. در آن زمان ماموریت داشتیم که کار بازگشایی را برای تمام رشته ها انجام بدهیم. لازم به ذکر است که تا سال ۱۳۶۵ دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه شهید چمران مدیریت یکی داشتند و بیش از ۹۰ گروه آموزشی مختلف در دانشگاه وجود داشت. بسیاری از ساختمانهای دانشگاه مانند ساختمان قبلی و فعلی دانشکده مهندسی به دلیل وضعیت جنگی، در آن زمان در اختیار نیروهای بسیج و سپاه بودند. یادم می آید یک روز رئیس دانشگاه (آقای مهندس نجفی) برای سرکشی به ساختمان قدیم دانشکده یا تربیت بدنی که در اختیار بسیج بود، مراجعه کرده بود. نگهبان جلوی او را گرفت و گفت اجازه ندارید وارد شوید. بلاخره با وساطت افراد دیگر موضوع با مسالمت حل می شود. اما این خاطره را از این جهت بیان کردم تا بدانید که فضای آن زمان برای حضور در دانشگاه چقدر حساس بود و با این حال تصمیم مسئولان دانشگاه بر این بود که بازگشایی دانشگاه تماماً و خصوصاً دانشکده مهندسی انجام شود. البته برخی دیگر از دانشکده ها مثل دانشکده های علوم و کشاورزی به طور کامل در اختیار دانشگاه بودند. در آن زمان بعضی از همکاران جهت فعالیت بین جهاد دانشگاهی و سپاه تقسیم شدند. من ترجیح دادم تا به عنوان عضو کمیته فنی جهاد دانشگاهی در دانشگاه باشم تا بتوانم بعد از بازگشایی دانشگاه ها با کمک همکاران همچنان دانشکده مهندسی را پابرجا نگه داریم. در نهایت پذیرفته شد که من به عنوان عضو فنی کمیته جهاد دانشگاهی کارهای دانشکده را پیگیری نمایم. در اثر این پیگیریها اولین دانشجویانی که از طریق کنکور سراسری وارد دانشکده شدند گمان می کنم سال ۱۳۶۲ یا ۱۳۶۳ بود، هرچند قبل از آن نیز همانطور که قبلاً گفتم گروهی از دانشجویان دانشکده علوم پذیرفته شده بودند. هرچند هنوز از وزارتخانه فشار می آوردند که دانشکده مهندسی و خصوصاً گروه مکانیک تعطیل شود، زیرا دانشکده نفت فعال

بود و به این دلیل وزارتخانه نیازی به وجود گروه مکانیک در دانشکده مهندسی نمی دید که خوشبختانه با تلاش دوستان توانستیم نهایتاً مجوز حداقل یک رشته مکانیک را بگیریم و رشته های عمران و برق هم ماندند و الحمدالله با یک حداقلی توانستیم ادامه دهیم.

بعد از بازگشایی دانشگاه ها، کم کم نیروهای نظامی مستقر در دانشگاه خارج شدند و ساختمان ها را تحویل دادند ولی همچنان مشکل کمبود هیات علمی از طرفی و نیز کمبود فضای آموزشی مناسب وجود داشت. در هر صورت دانشجویان آمدند و کلاس ها هم علیرغم وضعیت جنگی دایر شد. هر زمان حمله ای از سوی دشمن می شد کلیه بیمارستانها و گروه های پزشکی ما آماده خدمت رسانی بودند. یکبار دشمن بمبارانی در نزدیکی کتابخانه مرکزی فعلی انجام داد اما خوشبختانه به ساختمان دانشکده مهندسی فعلی آسیبی نرسید. در کل دانشگاه شهید چمران همواره در تیررس دشمن بود. در اوایل جنگ که نیروهای دشمن در نزدیکی گروه ملی فولاد رسیده بودند، با خمپاره دانشگاه را هدف قرار می دادند که آثار آن هنوز هم در ساختمان مرکزی و در ساختمان سابق دانشکده ادبیات در فلکه سه گوش وجود دارد. بهرحال همه تلاش می کردند که دانشگاه دایر بماند تا دشمن را که چشم طمع به خاک ما داشت و درجه حرارت اهواز و دزفول را در اخبارش اعلام می کرد مایوس کنند. در وزارتخانه نیز جلساتی تشکیل شده بود و تاکید می شد که دانشگاه شهید چمران به هر نحو باید فعال بماند چون از لحاظ روحی برای مردم اهمیت دارد. ما هم هر کاری از دستمان برآمد انجام می دادیم و با کمک و همکاری و همدلی همه دوستان و همکاران، دانشکده مهندسی علیرغم آنکه ضوابط موردنظر وزارتخانه را نداشت، همچنان سرپا و فعال نگه داشته شد.

پرسش دوم: ساختمان فعلی دانشکده مهندسی از چه زمانی مورد بهره برداری قرار گرفت و چگونه و با چه تمهیداتی، با وجود مشکلات سالهای پس از خاتمه جنگ تحمیلی، ساخت سوله های کارگاه ها و مجهز نمودن آنها آغاز شد و در چه زمانی به اتمام رسید؟

ساختمان فعلی دانشکده مهندسی و نیز کتابخانه مرکزی از زمان قبل از انقلاب نیمه کاره رها شده بودند. در آن زمان از زیر ساختمان نیمه کاره دانشکده مهندسی فاضلاب مناطق اطراف عبور می کرد و در رودخانه تخلیه می شد که حالت بسیار نامناسبی ایجاد کرده بود و ظاهراً صاحبان اصلی ساختمان که گروه ادبیات بودند تمایلی به بهره برداری و تکمیل دانشکده نداشتند. کتابخانه مرکزی نیز محل استقرار نیروهای لشکر نجف اشرف بود. همکاران ما در دانشکده مهندسی پیشنهاد دادند که اگر موافقت شود ما ساختمان را تکمیل کنیم و دانشکده مهندسی در آن مستقر شود. هرچند در طرح اولیه قرار بود این ساختمان دانشکده ادبیات باشد. چون در هیات رئیسه دانشگاه بودم، این مساله را به عنوان پیشنهادی مطرح کردم که مسئولیت تکمیل این ساختمان را برعهده بگیریم و آن را به دانشکده مهندسی اختصاص دهیم. بعد از نظرخواهی از رئیس دانشکده ادبیات و موافقت ایشان، نهایتاً صورت جلسه شد که این ساختمان به دانشکده مهندسی اختصاص یابد و دوستان ما هم همه بسیج شدند و روی کارهای ساختمانی، تاسیساتی، برقی کار کردند و در دفتر فنی دانشگاه در این مورد بحث شد و با همکاری چند پیمانکار، تکمیل ساختمان و تاسیس کارگاه ها آغاز شد در حالیکه از قبل در نقشه دانشکده مهندسی این کارگاه ها در نظر گرفته نشده بودند. ۶ سوله کارگاهی ساخته شد که ۴ تا از آنها مربوط به گروه مکانیک، یکی مربوط به گروه برق و یکی نیز مربوط به گروه عمران بود. البته در حال حاضر یکی از ۴ سوله مکانیک به عنوان کارگاه ریخته گری، عملیات حرارتی و قالب سازی به گروه متالورژی اختصاص یافته است. من از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ برای ادامه تحصیل به انگلستان رفته بودم، ولی همچنان کار تکمیل دانشکده

مهندسی ادامه داشت و بسیاری از کارها طی این سه سال انجام شده بود و تمام دوستان و همکاران زحمت زیادی کشیده بودند، فاضلاب را منحرف کرده بودند و محوطه را تمیز نموده بودند. سال ۱۳۶۹ که ریاست دانشگاه را برعهده گرفتم، از رئیس وقت دانشکده خواش کردم که به ساختمان در حال تکمیل دانشکده مهندسی که هنوز کل کارهای آن خصوصا محوطه سازی انجام نشده بود، نقل مکان کنند اما از سوی ایشان مخالفت شد که تا کارهای ساختمانی تکمیل نشود، به این دانشکده منتقل نمی شویم. دلیل اصرار من این بود که بعضی نهادها برای استقرار خود، به گرفتن ساختمان حاضر و آماده ای مثل دانشکده مهندسی علاقه داشتند. در صورت موافقت با یکی از این درخواست ها، کل زحمات دوستان و همکاران برای تکمیل این دانشکده، در نهایت به هدف اصلی که اختصاص ساختمان جدیدی برای دانشکده مهندسی بود، نمی انجامید. از این رو به صورت فوری دستور اسباب کشی صادر شد و کمی هم دلخوری پیش آمد. آن موقع هنوز محوطه اطراف دانشکده خاکی بود ولی به دلایلی که ذکر شد می خواستیم سریع تر دانشکده مهندسی جدید بهره برداری شود و اساتید و دانشجویان حضور یابند تا ان شاء الله بقیه مشکلات هم به مرور حل شود. افتتاح ساختمان در سال ۱۳۶۹ انجام شد و خبر آن در ماهنامه خبری دانشگاه شماره ۱۵ سال دوم درج شده است.

پرسش سوم: اعضای هیات علمی گروه مهندسی مکانیک که هسته اولیه این گروه را تشکیل دادند چه کسانی بودند؟ اولین مدیر گروه مکانیک و نیز اساتیدی که به عنوان مدیر گروه مکانیک تا به امروز منصوب شده اند چه کسانی بودند؟

تا آنجایی که من بخاطر می آورم بعد از انقلاب اولین مدیر گروه آقای دکتر حیدری نژاد بودند. بعد از اینکه ایشان برای ادامه تحصیل به دانشگاه MIT آمریکا رفتند، من مدیر گروه شدم که تا آذر ۱۳۶۵ که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفتم، ادامه داشت. بعد از آن نیز به تناوب آقای مهندس پشم فروش، آقای دکتر شیشه ساز، آقای دکتر حاجی دولو، آقای دکتر مرادی، آقای دکتر بحرینیان، آقای دکتر حیدری شیرازی، آقای دکتر بهبهانی نژاد و آقای دکتر قنبرزاده مدیر گروه بودند. اکنون نیز آقای دکتر حاج نایب مدیریت گروه را برعهده دارند.

پرسش چهارم: پذیرش اولین دانشجویان گروه مهندسی مکانیک چگونه و چه تعداد بودند و از چه زمانی از طریق کنکور سراسری پذیرش دانشجو صورت گرفت؟

همان گونه که قبلا عرض کردم در اولین دوره، دانشجویان رشته مکانیک ۲۵ نفر از دانشجویان دانشکده علوم بودند که برای ادامه تحصیل در رشته مکانیک تغییر رشته داده بودند. بعد از آن در سال اول کنکور سراسری پس از انقلاب، ما برای پذیرش دانشجو اعلام آمادگی کردیم که موافقت نشد و تا آن زمان همان ۲۵ نفر پذیرش اولیه را داشتیم که با آنکه سه سال از ورودشان به رشته مکانیک می گذشت ولی در عمل تنها یک ترم تحصیلی را گذرانده بودند. مشکل اصلی در آن زمان تعداد کم اعضای هیات علمی بود. در نتیجه تعدادی از دانشجویان درخواست انتقال به دانشگاه های دیگر را داشتند. به همین دلیل صحبت هایی با دانشگاه امیرکبیر داشتیم و قرار شد دانشجویانی که سالهای تحصیلیشان خیلی طولانی شده (ورودی های قبل از شروع جنگ تحمیلی)، به دلیل کمبود استاد و اصرار خودشان به آنجا منتقل شوند. من در آن زمان، معاون آموزشی دانشگاه بودم و علیرغم میلمان آنها را به دانشگاه امیرکبیر فرستادیم که اواخر همان ترم آن دانشجویان مجددا آمدند و اصرار کردند که ما را برگردانید چون از وضع شان در آن دانشگاه نیز راضی نبودند. با افزایش تعداد اعضای هیات علمی

و امکانات گروه، در دوره های بعدی کنکور سراسری، پذیرش ۴۰ تا ۴۵ نفر را هم به ما دادند و دانشجویان از شهرهای مختلف ایران برای تحصیل در رشته مکانیک به دانشکده مهندسی می آمدند.

پرسش پنجم: اولین دوره پذیرش دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا در چه سالهایی انجام گرفت؟

سال ۱۳۷۴ یا ۱۳۷۳ پذیرش اولین دانشجویان کارشناسی ارشد را داشتیم که سه نفر بودند و اولین دانشجوی کارشناسی ارشد آقای احمد خاوری بودند که اینجانب استاد راهنمای ایشان بودم و در سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل شدند. اولین دوره دانشجویان دکترا هم سال ۱۳۸۶ پذیرش شدند که البته قبل از آن نیز تقاضا داده بودیم که ما شرایط پذیرش دانشجوی دکترا را داریم ولی نهایتا با پیگیری های آقای دکتر حیدری شیرازی و آقای دکتر بهبهانی نژاد، که جای تقدیر و تشکر دارد در سال ۱۳۸۶ گروه مکانیک مجوز پذیرش دانشجویان دکترا را اخذ کرد و در حال حاضر گروه پذیرای ۴۷ دانشجوی دکترا و بیش از ۱۳۰ دانشجوی کارشناسی ارشد است.

و صحبت پایانی

زمانی که به سالهای گذشته نگاه می کنم که با چه مشکلاتی درگیر بودیم و گاهی در پاسخ به سؤال دانشجویان که می پرسیدند ترم دیگر چه درسی داریم، ما مشکل ارائه درس به دلیل کمبود استاد داشتیم و تلاش هایی که شد و افراد از جاهای دور و نزدیک آمدند و از تمام توان مایه گذاشتند و کار کردند، می بینیم که همه مشکلات در سایه تلاش و کوشش قابل حل هستند. مثلا بخاطر می آورم که به دلیل کمبود استاد، زمانی من ۳۵ واحد از ۱۴۰ واحد دانشجویان را شخصا ارائه داده بودم. الحمدالله امروز مشکلات اینچنینی حل شده است. زمانی که کارگاه ها را می ساختند، مهندس آسوده زمانی که برای سرکشی می آمد، تا زانو در گل بود، یا زمانی که مدیرگروه مان مهندس رنجبران بودند، استادکار کارگاه نداشتیم، مجوز استخدام هم نداشتیم. از این رو با هنرستان صحبت کرده بودند که از استادکار هایشان کمک بگیرند. چون مشکل وسیله نقلیه داشتیم، مهندس رنجبران در ماه مبارک رمضان شخصا ساعت دو بعدازظهر با موتورسیکلت استادکار را از هنرستان شهدا به دانشگاه می آورد. البته خودشان هم مسئول یکی از کارگاه ها بودند ولی تا این اندازه هم احساس مسئولیت میکرد و من از زحمات ایشان نیز تشکر می کنم. در هر صورت، آنچه امروز وجود دارد، یادگاری است از تلاش و کوشش عزیزانی که بسیاری از آن ها هنوز هم در دانشکده مهندسی حضور موثر و فعال دارند.